

## بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران

محمد رضا قاسمیان\*

رضیه موسوی فر\*\*، حمید ضیایی پرور\*\*\*

### چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش پدیده ایران‌هراسی است که در سال‌های اخیر دامنه وسیع‌تری از رسانه‌ها، از جمله سینما، را در بر گرفته است. بررسی فیلم‌های سینمایی ساخته شده در هالیوود که به نحوی با ایران مرتبط بوده‌اند نشان می‌دهد در این فیلم‌ها ایران به مثابه «دیگری فرودست» غرب نشان داده شده است. در این راستا، فیلم‌های آمریکایی ساخته شده درباره ایران از ۱۹۷۹ م به بعد و تأثیر آن‌ها بر تشدید ایران‌هراسی مورد مطالعه قرار گرفت و سه فیلم آرگو، سنگ‌سار ثریا، و بدون دخترم هرگز با روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شدند و از تلفیق سه دیدگاه نظری: بازنمایی، مطالعات پسااستعماری، و نظریه شرق‌شناسی نیز برای پایه تحلیل استفاده شد، تا به این پرسش پاسخ دهد که «نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران چگونه بوده است؟». نتایج و دستاوردهای به دست آمده حاکی از تأیید فرضیه پژوهش است؛ هالیوود با تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی نقش به‌سزایی در تشدید ایران‌هراسی داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، هالیوود، انقلاب اسلامی ایران.

\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، خراسان رضوی (نویسنده مسئول)

mr.ghasemian@yahoo.com

\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه حکیم سبزواری، mosavyfar@alumni.ut.ac.ir

\*\*\* دکترای تخصصی علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، hziaee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

## ۱. مقدمه

آمریکا از سینما به عنوان یکی از اجزای قدرت نرم خود بهره برده و یکی از قدرت مندترین و تأثیرگذارترین سینماهای جهان را دارد. آمریکا از این قدرت نرم استفاده کرده و از آن در جهت اهداف دیپلماسی خود در مقابل سایر کشورها استفاده می‌کند و از همین روند در مقابل کشور ما و مسلمانان نیز بهره جسته به گونه‌ای که این روند بعد از انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا در ایران نمود بیش‌تری داشته است. در سال‌های اخیر، شاهد برجسته‌تر شدن تصویر ایرانیان و مسلمانان در رسانه‌های غرب، مخصوصاً هالیوود بوده‌ایم، تصویری که نزد اغلب ایرانیان و مسلمانان، ناخوشایند، غیرمنصفانه، اغراق‌آمیز، مخدوش، و کلیشه‌ای جلوه کرده و نزد دیگر مخاطبان، به‌ویژه مخاطبان غربی، تهدیدآمیز، افراط‌گرایانه، مشارکت‌گریز، و آشفته بوده است. آمریکا از این قدرت نرم استفاده کرده و از آن در جهت اهداف دیپلماسی خود در مقابل سایر کشورها استفاده می‌کند و از همین روند در مقابل کشور ما و مسلمانان نیز بهره جسته به گونه‌ای که این روند بعد از انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا در ایران نمود بیش‌تری داشته است. در سال‌های اخیر، شاهد برجسته‌تر شدن تصویر ایرانیان و مسلمانان در رسانه‌های غرب، مخصوصاً هالیوود بوده‌ایم، تصویری که نزد اغلب ایرانیان و مسلمانان، ناخوشایند، غیرمنصفانه، اغراق‌آمیز، مخدوش، و کلیشه‌ای جلوه کرده و نزد دیگر مخاطبان، به‌ویژه مخاطبان غربی، تهدیدآمیز، افراط‌گرایانه، مشارکت‌گریز، و آشفته بوده است. بررسی شش فیلم مرتبط با ایران نشان می‌دهد که هالیوود ده هدف اصلی را در مسیر ایران‌هراسی پی‌گیری می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. ارائه تصویر خشونت‌آمیز از فرهنگ ایرانی، ۲. تخریب تمدن و تحریف تاریخ ایران، ۳. تخریب انقلاب اسلامی و رهبران آن، ۴. تخریب حاکمیت اسلامی و جمهوری اسلامی، ۵. تخریب دین اسلام و احکام اسلامی، ۶. تصویرسازی نامناسب از حاکمان ایرانی، ۷. ارائه تصویر غیرانسانی و غیرمتمدن از مردم ایران، ۸. القای وجود نژادپرستی در میان ایرانیان، ۹. القای نقض حقوق بشر در ایران در گذشته و حال، و ۱۰. القای دشمنی ایرانیان با سایر ادیان و تمدن‌ها.

## ۲. مبانی نظری

### ۱.۲ مطالعات پسااستعماری

مطالعات پسااستعماری به جای تأکید بر اشغال نظامی و سیاسی سرزمین خارجی از سوی استعمارگران، سلطه فرهنگی و رسانه‌ای آن‌ها را مورد توجه و نقد قرار می‌دهد. «در این

رویکرد، قدرت بازنمایی‌های رسانه‌ای برای شکل‌گیری مفاهیم و تصورات ما درباره جهان یک فرض نهفته و بنیادی است».

آشیس ناندی در کتاب خود، دشمن صمیمی (۱۹۸۳)، میان دوگونه از نظر زمانی متفاوت استعمارگری تمایز قائل می‌شود. گونه نخست، که معطوف به فتح فیزیکی کشورها بود، نسبتاً ساده‌لوحانه بود. درحالی‌که، گونه دوم، یعنی فتح و اشغال اذهان، هویت‌ها، و فرهنگ‌ها، مکارانه‌تر به نظر می‌رسد. هرچند گونه اول خشونت‌بارتر بود، اما خودخواهی، طمع، و آزمندی خود را بی‌پرده نشان می‌داد. درمقابل، پیش‌گامان گونه دوم عقل‌گرایان، مدرنیست‌ها، و لیبرال‌هایی بودند که ادعا داشتند امپریالیسم واقعاً پیام‌آور موعود تمدن برای دنیای نامتمدن [و بربر] است (گاندی ۱۳۸۸: ۲۹). در قلمرو ارتباطات، مطالعات پسااستعماری همانند نظریه اقتصاد سیاسی به سرمایه‌داری غرب به‌عنوان چهارچوب مسلط قدرت رسانه‌ای جهانی توجه دارد. به‌زعم نظریه‌پردازان این رویکرد، رسانه‌های غرب به دو معنا سیطره پیدا کرده‌اند: نخست، مالکیت امکانات ارتباطی و شیوه تولید رسانه‌ای، مانند تولید فیلم‌های هالیوودی و صدور آن‌ها به اطراف و اکناف جهان و دوم، بازنمایی اقلیت‌های فرودست و شرقی‌ها در قالب مفاهیم و تصورات کلیشه‌ای. مفهوم نخست سلطه رسانه‌ای غرب با عنوان امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای بازشناسی می‌شود و مفهوم دوم سلطه به‌عنوان مهم‌ترین شاخص نظریه و مطالعات پسااستعماری، در بحث شرق‌شناسی ادوارد سعید، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات پسااستعماری یکی از جدی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی جدید در زمینه فرهنگ کشورهای درحال توسعه و متمرکز بر رابطه فرهنگ و امپریالیسم در این کشورها در دوره پس از پایان حاکمیت استعماری عمدتاً غربی است (شیرزادیان ۱۳۸۸: ۱۴۹).

## ۲.۲ شرق‌شناسی

شرق‌شناسی در تعبیری موجز عبارت از آن دسته پژوهش‌های غربیانی است که درخصوص میراث شرق و به‌ویژه مسائل مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، عادات، و سنن آن از زاویه نگاه غربیان انجام می‌پذیرد. شرق‌شناسی از نگاه عینی و تاریخی، بیان نوعی تسلط غرب بر شرق است (شفیعی و صادقی ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰). شرق‌شناسی چنین تعریف شده است: «مفهوم گفتمانی از شرق که در گرو یک دوانگاری متضاد است و در آن مرکزیت اندیشه مدرن و روشن‌گرانه با غرب بوده و شرق به‌مثابه آن طرف دیگر رازآمیز و اغلب خطرناک است» (Hartely 2002: 170).

شرق‌شناسی به‌منزله بخشی از مطالعات پسااستعماری ابتدا از سوی «ادوارد سعید» (۱۳۷۱) در کتاب معروفش با همین عنوان مطرح می‌شود. او به‌همراه محققانی چون سردار (۱۹۹۹)، کریم (۲۰۰۰)، و لیتل (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرق‌شناسی ایدئولوژی مسلط در روابط غرب با جهان اسلام است. شرق‌شناسی روایتی واقع‌نما را به‌کار می‌گیرد که در آن واقعیت متفاوت اجتماعی و فرهنگی از شرق بدیهی انگاشته می‌شود، واقعیتی که متفاوت از همتای غربی آن است. این روایت با تلاش شرق‌شناسان کشف شده و «درست» بودن آن بدیهی انگاشته می‌شود (ایزدی و سقایی‌ریا ۱۳۸۷: ۱۰۴).

شرق‌شناسی به‌مرور به این باور انجامید که جوامع مسلمان درعین‌این‌که بسیار ضعیف در نظر گرفته می‌شوند، می‌توانند از قدرت بالایی برخوردار باشند. شاهد مثال این امر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بود که طبقه حاکم را به‌چالش طلبید (Tessa 1998).

### ۳.۲ کلیشه‌سازی مبتنی بر شرق‌شناسی

در رسانه‌های غرب، کلیشه‌های متعددی از مسلمانان ارائه شده است به‌گونه‌ای که ذکر نام اسلام و مسلمانان اکنون با این کلیشه‌ها عجین شده‌اند و اذهان غربی‌ها به‌صورت خودکار، در هنگام تصور و یادآوری مسلمان، این کلیشه‌ها را نیز تجسم می‌کنند. کلیشه‌هایی هم‌چون عقب‌مانده، بدوی و بیابانی، شهوت‌پرست و زن‌باره، خشونت‌طلب، و جنگ‌جو. درحقیقت، کلیشه‌سازی از مهم‌ترین راه‌بردهای بازنمایی خود و دیگران است؛ به‌ویژه برای تصویرپردازی و بازنمایی دیگران در رسانه‌ها استفاده می‌شود. کلیشه‌سازی تعداد اندکی از ویژگی‌های ساده پایدار و به‌سادگی قابل‌فهم در یک شخص را در نظر می‌گیرد و همه‌چیز درباره آن فرد را به آن ویژگی‌ها تقلیل می‌دهد و آن صفات را اغراق‌آمیز و ساده می‌سازد و ثابت و ابدی می‌پندارد. بنابراین، کلیشه‌سازی تفاوت را ذاتی، طبیعی، و ثابت فرض می‌کند (مهدی‌زاده ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰). کلیشه‌سازی یک نوع مرز نمادین را میان «نرمال» و «منحرف» و قابل‌قبول و غیرقابل‌قبول «ما» و «دیگری» معین می‌کند (همان: ۲۰).

### ۴.۲ نظریه بازنمایی رسانه‌ای

بازنمایی واژه‌ای است که پیتر دالگران، یکی از دانشمندان ارتباطی در کتاب *تلویزیون و گستره عمومی*، این واژه را کالبدشکافی و تشریح کرده است. او می‌گوید:

بعد بازنمایی توجه ما را به تولیدات رسانه‌ای جلب می‌کند. این بعد شامل زمینه‌های ذیل می‌گردد. مطالبی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، نحوه انعکاس موضوعات، انواع گفتمان‌های مطرح و ماهیت مباحث و مناظرات ارائه‌شده، بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره دارد. بازنمایی در گستره عمومی به پرسش‌هایی اساسی نظیر این که «چه مطلبی» باید برای انعکاس انتخاب شوند و «چگونه» بر مخاطبان عرضه گردند اشاره دارد، لذا مشاهده می‌شود بازنمایی متمایز از انعکاس محض واقعیات و رخدادهاست یعنی در بازنمایی، وقایع و رخدادها از حالت اصلی خود خارج می‌شوند، حال هرچه‌قدر که رسانه‌ها و خبرنگاران معتقد به عینیت‌گرایی در انعکاس خبرها باشند، بازنمایی‌های انجام‌شده به واقعیت نزدیک‌تر هستند و هر مقدار که رسانه‌ها از عینیت‌گرایی به دور باشند، بازنمایی‌های آن‌ها نیز دور از واقع خواهد بود (سلطانی‌فر و هاشمی ۱۳۸۰: ۳۰).

درواقع، بازنمایی از مفاهیم کلیدی در مطالعه تمام رسانه‌ها و متون است (محمدپور ۱۳۹۰: ۱۲۱).

رسانه‌ها با بازنمایی جهان پیرامون، بر شناخت و درک عموم تأثیر گذاشته و در نتیجه سبب تحول در ساخت اجتماعی واقعیت می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفت بازنمایی ساخت رسانه‌ای واقعیت است (مهدی‌زاده ۱۳۸۷: ۱۰). مطالعه بازنمایی رسانه‌ای در مطالعات رسانه‌ای، ارتباطی، و فرهنگی بسیار مهم و محوری است. از آنجایی که نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به‌تصویر کشید، ارزش‌های خبری، فشارهای پروپاگاندایی، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های فنی و محتوایی ارائه می‌دهند. بر این اساس، بازنمایی عنصری محوری در ارائه تعریف از واقعیت است (Watson and Hill 2006: 248).

### ۳. روش تحقیق

فرایند تحلیلی مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است، اما به‌طور کامل بر آن منطبق نیست. تحلیل فیلم‌ها متمرکز بر سه محور روایت فیلم، تصاویر، و دیالوگ‌هاست که این قبیل داده‌ها پس از توصیف و تشریح مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این روش در زمره روش‌های کیفی تحقیق در متون رسانه‌ای به‌شمار می‌رود. این روش در ساده‌ترین شکل به‌بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب

مقولاتی منظم سامان می‌یابند. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک، و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت.

در این تحقیق، با توجه به سؤال تحقیق، واحد تحلیل محتوا «سکانس‌های ضداسلامی و ایرانی» بوده و برای گردآوری اطلاعات در زمینه مباحث نظری از روش کتاب‌خانه‌ای و تحلیل محتوای فیلم‌ها، طبق مقوله‌بندی صورت‌گرفته و مؤلفه‌های آن، چک‌لیستی تدوین شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

## ۴. تعریف مفاهیم

### ۱.۴ اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی از اصطلاحات تازه‌ای است که به‌تازگی و به‌طور خاص، در زمینه رابطه اسلام با غرب نسبتاً رواج پیدا کرده است. در بیان ریشه این اصطلاح باید گفت که «Islamophobia» از کلمه اسلام «Islam»، حرف ما بعد کلاسیک O، و کلمه فوبیا «phobia» به معنای ترس یا بی‌زاری نامعقول از چیزی تشکیل یافته است. گفتنی است که کلمه «فوبیا» دو کاربرد کلی و متفاوت دارد. گاه در روان‌شناسی در مورد افراد به معنای نوعی بیماری به کار می‌رود و گاه در زمینه اجتماعی و در کنار اصطلاحات مربوط به ضدیت با اقوام و ملیت‌ها استفاده می‌شود. بدیهی است که مورد نخست فاقد دلالت سیاسی است، ولی مورد دوم دلالتی سیاسی دارد (مرشدی‌زاد ۱۳۸۸: ۱۴). در اصطلاح رایج اسلام‌هراسی، مسلمانان به‌منزله افرادی تلقی می‌شوند که با ارزش‌های غربی در تقابل هستند و به‌عنوان دشمن و تهدید برای ارزش‌ها و انسجام ملی به‌شمار می‌آیند. این واژه به تبعیض و پیش‌داوری (غیرعقلانی) ضداسلام یا مسلمانان اشاره دارد (Fredman 1992: 121).

در نوشتار حاضر، اسلام‌هراسی به‌مثابه پدیده‌ای ترکیبی که بتواند جامع دیدگاه‌های مختلف پیش‌گفته باشد مدنظر است و می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «اسلام‌هراسی عبارت از نوعی تصور ذهنی در مورد اسلام است، به‌گونه‌ای که مخاطب در مقابل طرح، استقرار، یا توسعه نظام اسلامی در حوزه‌ای خاص (اعم از فرومی، ملی، یا فراملی) واکنش منفی (اعم از نظری یا عملی) از خود بروز دهد».

سه حادثه یا رویداد در جریان اسلام‌هراسی در غرب تأثیر چشم‌گیری داشته است که در ادامه به‌اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

#### ۱.۱.۴ پایان جنگ سرد: اسلام جای‌گزين کمونيسم

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران هم‌چون جوزف نای، نویسنده کتاب *قدرت نرم*، آمریکایی‌ها نقشی را به اسلام داده‌اند که پیش از این به کمونيسم در اتحاد جماهیر شوروی داده بودند (نای ۱۳۸۷: ۱۲۲). در جهان غرب عاری از کمونيسم [که در دوران جنگ سرد، به‌عنوان تهدیدی ضد این تمدن محسوب می‌شد]، بعد از فروریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ م اسلام جای‌گزين مناسبی برای آن (کمونيسم) شده است (مهدی‌زاده ۱۳۸۷: ۹۶). «نگاهی مختصر به تصویر خاورمیانه هالیوودی پس از جنگ سرد، خطوط و پستی و بلندی، چهارچوب تفسیری و تعریفی را مشخص می‌کند که هالیوود از جهان ژئوپولیتیک و حمایت از لفاظی‌ها و شعارهای سیاست خارجی آمریکا ارائه می‌دهد. در این میان، هالیوود نیز سهم خود را از این مسئولیت برعهده گرفت و با ساختن مجموعه‌ای فیلم که «آمریکای احیاشده» را ترسیم می‌کرد، از فیلم *تاپ‌گان*، به این دعوت لبیک گفت (سمتی ۱۳۸۵: ۲۱۸-۲۱۹).

#### ۲.۱.۴ حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

از همان روز وقوع این حادثه انگشت اتهام به‌سوی شبکه تروریستی القاعده اشاره رفت و از آن روز بود که اخبار مربوط به تروریست‌های مسلمان در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفت و اکنون با گذشت نزدیک به یک دهه هم‌چنان خبرهایی از جهان اسلام، که به‌نوعی از ارزش خبری «برخورد» برخوردار باشند، به‌طور وسیعی پوشش داده می‌شوند.

اکنون اسلام و فعالیت‌های مسلمانان خاص، دارای ارزش خبری بالا [برای رسانه‌های غربی] محسوب می‌شوند. در واقع، در مقایسه با گذشته تعداد معدودی از خبرهای مهم تر به‌نحوی مربوط به مسلمانان نیستند، درحالی‌که تعداد بسیار معدودی از خبرهای مربوط به مسلمانان در سال‌های اخیر درباره چیزی غیر از «جنگ با ترور» بوده‌اند (Poole and Richardson 2006: 1).

نگارندگان کتاب *مسلمانان و رسانه‌های خبری* معتقدند: پس از حملات ویران‌گر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ضد آمریکا، مسلمانان عموماً در تصویرسازی آمریکا، جایی را اشغال کرده‌اند که پیش از آن کمونیست‌ها اشغال کرده بودند. به اعتقاد کریم، صفت «اسلامی» اغلب به‌وسیله خبرنگاران برای توصیف فعالیت‌های محرمات تروریست‌ها به‌نحوی استفاده می‌شود که در اشاره به اقدامات مشابه، که توسط پیروان دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیان و

یهودیان انجام می‌شود، تصورناپذیر است. تصویر غالب «مسلمانان خشن» فقط در روزنامه‌ها و تلویزیون بازتولید نشده است، بلکه به‌عنوان بازنمایی «دیگران مسلمان» در فرهنگ پاپ، هنر، موسیقی، ادبیات، کتاب‌های درسی مدارس، گفتمان عامه و به اشکال مختلف رایانه‌ای تولید شده است. ممکن است برخی مسلمانان واقعاً چنین ویژگی‌ای داشته باشند، اما این کاملاً نادرست است که گفته شود اغلب مسلمانان این‌گونه‌اند. پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام و مسلمانان نقش «دیگری» و دشمن را در تقویت و تثبیت هویت غربی پیدا کرده‌اند. ترسیم مسلمانان به‌عنوان دشمن، روایت خاصی از اسلام ارائه می‌دهد که آن را مترادف دینی منزوی، متوحش، انعطاف‌ناپذیر، و تبعیض‌آمیز معرفی می‌کند که پیروانی مناسب همین اوصاف تربیت می‌کند. این روایت در سطح گسترده‌ای از جوامع غربی، پذیرفته شده و واکنش‌های خصمانه‌ای در این جوامع ضداسلام و مسلمانان ایجاد کرده است.

#### ۳.۱.۴ انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۵ م

یکی دیگر از رویدادهایی که به تقابل فرهنگی غرب و مسلمانان بسیار دامن زد انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۵ م در دانمارک بود.

در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ م روزنامه دانمارکی *جیلندس-پُستِن* دوازده کاریکاتور از پیامبر اسلام (ص) منتشر کرد. دبیر تحریریه فرهنگی روزنامه *جیلندس-پُستِن*، به‌چالش کشیدن آنچه روزنامه ما آن را خودسانسوری درقبال اسلام در دانمارک می‌دید، ضروری به‌نظر می‌رسید (Strömbäck et al. 2008: 121-123).

#### ۲.۴ شیعه‌هراسی

در سال‌های گذشته، برخی از حاکمان منطقه و نویسندگان مغرض با طرح «هلال شیعی» کوشیده‌اند حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام را هراس‌آمیز نشان دهند. اصطلاح «هلال شیعی» اصطلاحی است که نخستین بار ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، آن را در دسامبر ۲۰۰۴ مطرح کرد. کاربرد این واژه، مقارن با به‌قدرت رسیدن شیعیان در انتخابات عراق، پس از حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳ م به این کشور بود. بر این اساس، به‌قدرت رسیدن شیعیان در عراق تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان، و افغانستان را در بر می‌گرفت؛ این



مفهوم از یک سو نشان‌دهنده افزایش وزن شیعیان در عرصه سیاست بین‌الملل و خاورمیانه است و از سوی دیگر نوعی جهت‌دهی به حساسیت‌های منفی فضای رسانه‌ای به‌شمار می‌رود (خواجه سروی ۱۳۹۰: ۶۰).

### ۳.۴ ایران‌هراسی

یکی از اصلی‌ترین طرح‌های عملیات روانی، که در مراحل مختلف علیه ایران به‌کار گرفته شده است، «پروژه ایران‌هراسی» است. نخستین دور از این موج تبلیغاتی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد بودیم که در آن، آمریکایی‌ها با راه‌اندازی گسترده تبلیغات ضدایرانی، انقلابی‌ها را انسان‌هایی متحجر و جنگ‌طلب معرفی کرد. نسل بعدی از رهبران سیاسی آمریکا، پس از اشغال عراق و مواجه شدن با قدرت بی‌رقیب ایران در منطقه خاورمیانه، تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد جبهه‌بندی کشورهای منطقه، علیه ایران آغاز کرده‌اند تا شاید بتوانند از این طریق مانع گسترش قدرت‌یابی ایران و متحدانش در منطقه شوند. ایران‌هراسی به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد، یا نقش بین‌المللی ایران اشاره دارد. هم‌چنین ایران‌هراسی به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس، یا بی‌زاری به ایرانیان به‌عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی، و مذهبی پذیرفته‌شده در سراسر جهان اشاره دارد (طاهایی ۱۳۸۸: ۱۳). به‌عبارت‌دیگر،

ایران‌هراسی پروژه راه‌بردی است که براساس آن، ایران به‌عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و هم‌چنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به‌عنوان یک متغیر مزاحم و بازیگر اختلال‌آفرین در نظام بین‌الملل به‌تصویر کشیده می‌شود. ایران‌هراسان مدعی هستند که ایران به‌دنبال دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای است تا در برابر اسرائیل - دشمنی که قبلاً به این تسلیحات دسترسی دارد - از خود دفاع نماید (Nakhleh 2009: 14).

جیمز بیل پدیده ایران‌هراسی را ناشی از استقلال‌طلبی ایران از آمریکا می‌داند. او می‌گوید: «آمریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون‌های استقلال‌طلب منطقه‌ای جلوگیری کند. هرچه رفتار آن‌ها مستقل‌تر باشد، آمریکا فشار بیش‌تری بر آن‌ها اعمال می‌کند» (Bill 2001: 54). براساس این نظر، آمریکا از آن‌رو به ایجاد موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند که ایران سعی دارد مستقل از هژمون جهانی رفتار کرده و جهان‌بینی او بسیار متفاوت با ابرقدرت

جهانی است (ibid.). از نگاه آمریکایی‌ها دو احتمال تهدیدآمیز از جانب ایران ممکن است منافع این کشور را در جنوب غرب آسیا به خطر بیندازد: نخست این‌که ایران در صورت دستیابی به بمب هسته‌ای و هسته‌ای شدن منطقه با مطالبات دیگر کشورها نظیر عربستان در زمینه هسته‌ای شدن مواجه شود؛ دوم این‌که در صورت حمله نظامی اسرائیل یا آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران برای ممانعت از هسته‌ای شدن ایران و تبعات و حملات تلافی‌جویانه ایران منافع آمریکا در منطقه را به مخاطره می‌اندازد (Wood 2012: 90).

#### ۴.۴ سینمای هالیوود

در سال ۱۸۵۳ م، با ساخته شدن یک کلبه خشتی که بعدها هالیوود نام گرفت، هالیوود شکل گرفت و نام آن از سوی اچ جی وایتلی، که پدر هالیوود است، انتخاب شد. هالیوود در لغت یعنی کلمه «هالی» به معنای مقدس و «وود» به معنای چوب که به معنی «چوب مقدس» است و عصای جادویی از آن ساخته می‌شود و در سحر و جادو از آن استفاده می‌شود. این بخش حالت نمادین دارد. اما مهم است این بخش را نیز بفهمیم که هالیوود مردم را محسور خود کرده است. این یک حالت رؤیایی است. وقتی سینما پدید آمد، هالیوود به عنوان قطب برنامه‌سازی تصویری شکل گرفت.

از زمان شکل‌گیری هالیوود، یهودیان، که همواره به دنبال منافع مادی و کسب سود بیش‌ترند، احساس کردند که این مؤسسه تبلیغاتی و دیداری می‌تواند برایشان مفیدتر باشد. از این رو، تصمیم گرفتند این مؤسسه را به یک دستگاه پول‌ساز تبدیل کنند و طبق معمول از این درآمدها در جهت تحقق اهداف صهیونیسم و در واری آن رژیم صهیونیستی، حداکثر استفاده را ببرند. سینمای علمی - تخیلی طبق دیدگاه و نظریه اندیشه‌پردازان سیاسی هالیوود عمل می‌کرد که غالباً یهودی بودند و با برنامه‌ریزی‌های درازمدت، مسائل سیاسی - اجتماعی را تحت نظر داشتند. سوژه بمب اتمی برای فیلم‌سازان هالیوود جذاب و افسون‌کننده و هم تحریک‌کننده بوده است (علوی طباطبایی ۱۳۸۶: ۳۴-۳۷). سینمای هالیوود علاوه بر پرداختن به مسئله انرژی هسته‌ای در فیلم‌های خود، در دوران جنگ سرد آمریکا و شوروی تلاش کرد تا به پیروی از دیدگاه‌های سیاست‌مداران و رهبران ایالات متحده در فیلم‌های تولیدی خود نظام کمونیستی و شوروی را به چالش بکشد و کشورهای کمونیستی و بلوک شرق را در فیلم‌های تولیدی خود به زندان بزرگ تشبیه کند و این شیوه به‌ویژه با شروع دهه ۱۹۶۰ م روند شتابنده‌ای به خود گرفت.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) در انقلاب بر دو مسئله مهم مهدویت و نهضت حسینی تأکید می‌ورزیدند. سینمای هالیوود به پیروی از سیاست‌مداران و رهبران ایالات متحده و صهیونیسم بین‌الملل واکنش‌ها را انگیزی به انقلاب اسلامی ایران نشان داد. تهیه‌کنندگان سینمای هالیوود ناگزیر بودند با تولید فیلم‌های سینمایی چهره انقلاب اسلامی ایران و رهروان و پیروان این انقلاب در سایر کشورهای اسلامی هم‌چون لبنان و فلسطین را مخدوش و از انقلاب مردمی و اسلامی ایران و نیروهای طرف‌دار آن در کشورهای مختلف اسلامی، چهره‌ای خشونت‌طلب، جنگ‌افروز، و تروریست به مخاطبان و بینندگان فیلم‌های سینمایی القا کنند. از این‌رو، پس از مدتی چهره‌های شاخص فیلم‌سازی سینمای هالیوود برای تولید فیلم‌های سینمایی با ویژگی‌های مذکور مشخص شدند. سینماگرانی همانند استیون اسپیلبرگ یهودی، فرانسیس فورد کاپولا، فرج لوکاس، و مارتین اسکورسیسی.

کارشناسان عرصه رسانه معتقدند که فیلم‌های هالیوودی می‌توانند تأثیرات چشم‌گیری در مردم جهان داشته باشند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کاهش اعتماد به نفس مخاطبان به اصطلاح جهان سومی و ترویج انقیاد و اعتماد ایشان به صاحب اصلی دنیا که به زعم این فیلم‌ها آمریکایی‌ها و یهودیان هستند، ۲. ترویج خرافه‌گری و خرافات دینی هم‌چون نگاه تقدیری به نظم هستی که از مشخصه‌های آیین یهود است، حلول شیطان در کالبد انسان‌ها، افسانه‌های خودساخته آخرالزمانی، ظهور ناجی و سفر به سرزمین موعود یعنی آمریکا که صهیونیست‌ها آن را سرزمین موعود خود می‌دانند، ۳. ترویج فساد و ابتذال، ۴. گسترش اسلام‌ستیزی، ۵. ایجاد تصویر مثبت از یهودیان در اذهان جهانی، ۶. ترویج خشونت و وحشی‌گری، و ۷. ایجاد تصویر منفی از مسلمانان.

#### ۱.۴.۴ بازنمایی اسلام در سینمای هالیوود

هالیوود در کنار ساخت فیلم‌های دارای گونه‌های متنوع تجاری و نیز سرگرمی‌سازی، که یکی از شئون سینماست، کارکرد سیاسی داشته و همواره به‌عنوان ابزاری ایدئولوژیک مورد بهره‌برداری سیاسی نیز قرار گرفته است. در خصوص تصویرپردازی فیلم‌های هالیوود از ملیت‌ها و قومیت‌ها و پیروان ادیان گوناگون، به قاطعیت می‌توان گفت بخش مهمی از این تصویرپردازی متأثر از رویکردهای سیاسی حاکم بر هالیوود است. با مروری بر آثار رسانه‌ای عرضه‌شده درباره اسلام در رسانه‌های غربی، به نظر می‌رسد که در تصویرپردازی و بازنمایی اسلام و مسلمانان در این رسانه‌ها، رویکردها، و استراتژی‌های رسانه‌ای خاصی

پی گیری می شود و گفتمان ویژه ای حاکم است. مهم ترین دال در تصویر ارائه شده از مسلمانان در این فیلم های هالیوودی، خشونت و تروریسم است که در نسبت و هم نشینی با دین اسلام و آموزه های آن تصویر شده است، به گونه ای که اسلام مروج و مؤید تروریسم دانسته می شود.

اغلب تصویر ارائه شده از مسلمانان بر مبنای نظریات و دیدگاه های تقابلی گرایانه بین شرق (به ویژه مسلمانان) و غرب است. در تصویرسازی صورت گرفته از خودی و دیگری، مسیحیان و یهودیان در کنار یکدیگر و به مثابه خودی به شمار می روند و مسلمانان دیگری بد و شروری را تشکیل می دهند که آرامش و امنیت خودی ها را تهدید می کند. مسئله فلسطین و پیشینه جنگ بین رژیم صهیونیستی و فلسطینیان از مهم ترین مسائلی بوده که بر تصویرسازی از مسلمانان در سینمای هالیوود سایه افکنده و اغلب به انحای مختلف به آن ارجاع داده شده است. در فیلم های متمرکز بر مسلمانان، نیز شاهد کلیشه زندگی بدوی، بیابانی، و عقب مانده مسلمانان هستیم. هم چنان کلیشه شرق شناسانه هرزگی مردان شرق در فیلم های هالیوودی دیده می شود. با توجه به دیدگاه های نظری و نیز حوادث و تحولات سیاسی و تاریخی که بر شمرده شد، می توان گفت نگاه سیاسی هالیوود عصاره همان نگاه سیاسی حاکم بر دستگاه دیپلماسی و نظامی آمریکاست و تولیدات بی شمار سیاسی هالیوود این موضوع را اثبات کرده است. مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و دستگاه دیپلماسی و سیاسی آمریکا هر رویکردی را در قبال اسلام اتخاذ کند، همان رویکرد در هالیوود نیز در پیش گرفته می شود.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده ها (یافته ها) توصیف محتوای سه مورد از مهم ترین

### فیلم های هالیوود در زمینه ایران هراسی

#### ۱.۵ فیلم بدون دخترم هرگز

فیلم بدون دخترم هرگز بر اساس کتاب بدون دخترم هرگز نوشته بتی محمودی (همسر بزرگ محمودی) و به کارگردانی بریآن گیلبرت محصول ۱۹۹۱ م (۱۳۷۰) آمریکاست. دکتر بزرگ محمودی (مودی) پزشکی است که سال های زیادی را از وطن دور بوده و به همراه همسر آمریکایی اش (بتی) و دخترش (مهتاب) در میشیگان زندگی می کند. او، که حدود ده سال است خانواده خود را ندیده است، قصد دارد همسر خود را راضی کند تا به اتفاق سفری را برای دیدار از خانواده داشته باشند. بتی حاضر نیست این خواسته را

بپذیرد، اما هنگامی که دکتر محمودی برای او روی قرآن قسم می‌خورد که بعد از دو هفته به آمریکا برمی‌گردند بتی، که می‌داند قرآن در بین مسلمانان جایگاه بزرگی دارد، راضی به سفر می‌شود. خواهر بزرگ دکتر محمودی بتی را مجبور می‌کند که مانتو تن کند. دکتر محمودی با اصرار خانواده تصمیم به اقامت دائم در ایران می‌گیرد. بتی که خود را در تنگنا می‌بیند از خانه می‌گریزد و خود را به دفتر تأمین منافع آمریکا در سفارت سوئیس در تهران می‌رساند، اما در آنجا با حقایقی درخصوص قوانین ایران آشنا می‌شود. این که زنان بدون رضایت کتبی از همسرشان حق مسافرت ندارند و این که طبق قوانین ایران او به دلیل ازدواج با یک مرد ایرانی خود به خود شهروند ایران محسوب شده و باید طبق قوانین ایران عمل کند. او، که شرایط بازگشت را سخت می‌بیند، تصمیم به سازش موقت با همسر خود می‌گیرد سرانجام بتی و مودی به خانه (برادر و زن برادر) دکتر محمودی نقل مکان می‌کنند. بتی در بازار با شخصی به نام حمید آشنا می‌شود که خود در آمریکا زندگی کرده است. حمید از طریق واسطه‌ای به نام حسین به بتی برای خروج از ایران کمک می‌کند. در همین فواصل، دکتر محمودی برای او بلیط سفر به آمریکا می‌گیرد تا ضمن دیدار از پدر بیمارش، دارایی‌های او را در آمریکا بفروشد و برای این کار حتی به او وکالت می‌دهد. اما بتی، که به هیچ وجه حاضر نیست بدون دخترش بازگردد، شب قبل از موعد پرواز به هم‌راه مهتاب از خانه می‌گریزد و به منزل حسین می‌رود و حسین نیز شبانه شرایط را برای خروج از تهران و رفتن به مرز فراهم می‌کند. سرانجام بتی بعد از گذشتن از مناطق سخت گذر سرانجام با کمک کردهای بومی به ترکیه می‌رسد و در آخر فیلم با دیدن پرچم کشورش در سفارت آمریکا در ترکیه احساس آرامش می‌کند.

#### جدول ۱.

نمونه‌ها	محورهای جزئی	محورهای کلی مورد تأکید	مؤلفه ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوود
زمانی که بتی وارد ایران می‌شود آن‌ها گوسفندی را به عنوان نذری قربانی می‌کنند و بتی با مشاهده این رفتار خشونت‌آمیز از نگاه او غش می‌کند.	فرهنگ خشونت‌آمیز و غیرانسانی	نظام	بدون دخترم هرگز
رفت و آمد گوسفندان در خیابان بر فرهنگ بدوی و غیرمدنی ایرانیان دلالت دارد.	جامعه آشفته، بدوی، و غیرمدنی	اجتماعی	

<p>بتی زنی مظلوم و مستأصل می‌شود. چهره ایرانی شوهر بتی چهره‌ای خشن است و او همان محمودی مهربان آمریکایی نیست. مرد ایرانی بدون این‌که منتظر پاسخ همسرش درمقابل سؤال بماند کنکش می‌زند.</p>	<p>ظلم به زنان و حاکمیت مردسالاری</p>		
<p>زنان و مردان ایرانی همگی لباس تیره بر تن دارند و زن غربی لباس روشن بر تن دارد.</p>	<p>فضای اجتماعی غم‌زده و گرفته</p>		
<p>بتی نمی‌تواند از ایران بگریزد و در محصه‌های بزرگ گرفتار شده است. بتی: ما هرگز نمی‌تونیم از ایران بریم بیرون. ما این‌جا گروگان گرفته شده‌ایم. آمدن ما به این‌جا (سفارت سوئیس) تقریباً غیرممکن است. نیکولا: ببین خانم محمودی! خیلی‌ها که پس از انقلاب برگشتند، از این‌که به ایران برگشته‌اند، احساس گناه می‌کنند. الان ایران یک کشور اسلامی و این برای خیلی از ایرانی‌ها چیز بسیار شگفت‌انگیزیست.</p>	<p>ایران به‌مثابه زندانی بزرگ</p>		
<p>نمای کوچه محل زندگی خانواده دکتر محمودی در تهران، درابتدا در روز دو مرد دست‌فروش را در سمت راست قاب تصویر می‌بینیم که مشتی خرت و پرت و فرشی ایرانی درکنار آن‌هاست و در فضایی بسیار آشفته درکنار دیوار نشسته‌اند، دورتر نوجوانی چوب‌به‌دست هرهرکشان، به‌دنبال چند گوسفند، کلاه سفید حاجیان به سر و سربازی با لباس سبز لجنی هم‌راه با اسلحه در پشت سر او را در حرکت می‌بینیم که از قاب خارج می‌شوند. پشت سر آن‌ها بر روی دیوار عکس‌هایی سیاه و سفید از امام و چند پوستر عکس‌دار، اما نه واضح می‌بینیم.</p>	<p>تأثیر منفی انقلاب اسلامی بر ایران</p>		
<p>دکتر محمودی با چهره‌ای عصبانی به بتی نزدیک می‌شود و سیلی محکمی به او می‌زند و می‌پرسد: «کجا بودین؟» هنوز بتی پاسخی نداده محمودی سیلی دوم را هم می‌خواباند. بتی درحال گریه تلاش می‌کند توضیح دهد که برای قدم‌زدن بیرون رفته بوده است، اما محمودی سیلی‌های بعدی را هم می‌زند و او را به دیوار و سرش را به تابلوی شمایل یکی از پیشوایان شیعه (حضرت ابوالفضل علیه‌السلام) می‌کوباند.</p>	<p>توحش و بی‌منطقی ایرانیان</p>	<p>دین و نظام اجتماعی</p>	
<p>در فیلم به تأثیر ناگوار انقلاب اسلامی ایران و حاکم شدن اسلام بر سرنوشت مردم ایران ارجاع داده می‌شود.</p>	<p>حاکمیت دین ضدانسانی و خشن اسلام بر ایران</p>	<p>دین</p>	

## ۲.۵ فیلم سنگ‌سار ثریا

سنگ‌سار ثریا م. نام فیلمی به کارگردانی سیروس نورسته محصول ۲۰۰۸ م آمریکا است. این فیلم برپایهٔ رمانی به همین نام (۱۹۹۴) نوشتهٔ فریدون صاحب‌جمع درمورد سنگ‌سارشدن ثریا منوچهری ساخته شده که داستان آن در سال ۱۹۸۶ م و در راستای نقض حقوق بشر و سنگ‌سار در ایران اتفاق می‌افتد. شهره آغداشلو در نقش زهرا و جیم (جیمز) کاویزل، بازیگر فیلم‌های خط باریک قرمز (ترنس مالیک) و مصائب مسیح (مل گیسون)، در نقش خبرنگار فرانسوی ظاهر شده‌اند.

داستان فیلم از این‌جا شروع می‌شود که روزنامه‌نگاری فرانسوی در سفرش به روستایی می‌رسد و اتومبیلش را برای تعمیر به هاشم، مکانیک روستا می‌دهد. توقف روزنامه‌نگار فرانسوی در روستا فرصتی است تا او با یک ماجرای هولناک مواجه شود؛ زنی به نام زهرا به‌محض دیدن روزنامه‌نگار او را به خانهٔ خود دعوت می‌کند و از او می‌خواهد پای حرف‌هایش بنشیند. از این نقطه فیلم وارد یک فلش‌بک می‌شود و داستان در گذشته روایت می‌شود و خواهرزادهٔ زهرا «ثریا» در مرکز این ماجرا قرار دارد. شوهر ثریا، که یک زندانبان است، قصد تجدیدفراش دارد، اما چون توانایی پرداخت هزینهٔ هر دو زن را ندارد به ثریا پیش‌نهاد طلاق می‌دهد، ثریا وقتی حق و حقوقش را مطالبه می‌کند مرد نمی‌پذیرد و با کدخدا و روحانی ده تبانی می‌کند، نقشه از این‌جا قرار است که ثریا را به خانهٔ هاشم برای کلفتی می‌فرستند، مردی که زنش را از دست داده و به‌همراه فرزند ناشنوایش زندگی می‌کند و این ویژگی‌ها موقعیت را برای متهم‌شدن ثریا به رابطه با هاشم فراهم می‌کند. شوهر ثریا با هم‌دستی کدخدا و ملای ده به زن بی‌گناه اتهاماتی را نسبت می‌دهند که درنهایت به سنگ‌سارشدن ثریا منجر می‌شود.

### جدول ۲.

نمونه‌ها	محورهای جزئی	محورهای کلی مورد تأکید	مؤلفه ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوود
پیش‌نهاد شیخ حسن به ثریا برای صیغهٔ او	هرزه و زنباره	روحانیت	سنگ‌سار ثریا
شیخ حسن قبل از روحانیت، دزد سابقه‌دار زندان بوده که بعد از انقلاب اسلامی روحانی می‌شود.	دزد و طمع‌کار		
شیخ حسن به کمک علی می‌رود و به ثریا تهمت زنا می‌دهد. می‌زند و از این طریق از پایگاه اجتماعی خود حفاظت می‌کند.	حیله‌گر و دغل‌باز		

هاشم، که با بی عدالتی حکم به سنگسار کرده قبل از سنگسار ثریا به نماز برمی خیزد و از خدا طلب حقیقت می کند.	تمسخر نماز	شعائر اسلامی
شیخ حسن: هر سنگی که به ثریا پرتاب می کنید حیثیت را به آبادی برمی گردانید.	اختلاط با خرافات	
اجرای حکم سنگسار به شکل وحشیانه و خلاف موازین اسلامی	ضد حقوق بشر	احکام اسلامی
دیالوگ شیخ حسن: «همان طور که می دانید در اسلام صیغه امری پسندیده برای مردان است».	ضد حقوق زنان	
دیالوگ زهرا: «صیغه همان فاحشه شرعی است».		
علی تهمت زنا محصنه به ثریا می زند و دادگاه معتقد است که در صورت زنا باید برای اثبات بی گناهی خود دلیل و مدرک اقامه کنند.		
خطاب هاشم به علی: شاهد باید معتبر باشد هم راه با مدرک معتبر؛ رفقای خودت و خاله زنک های ده نمی توانی شاهد مناسبی باشی.	ناکارآمدی قوانین و احکام اسلامی در تشخیص صحیح	افراد دین دار
شیخ حسن خطاب به ابراهیم: قانون اسلامی حکم می کند هر کسی می تواند شاهد باشد.		
زنان چادری افرادی زشت رو و سیاه بودند.	عبوس و زشت منظر	افراد وحشی و غیر متمدن
مردان دین دار هم افرادی با ریش های بلند و چهره ای غیر مرتب به تصویر کشیده شده بودند.		
علی زن خود را به دلیل صحبت با نامحرم مورد ضرب و شتم قرار می دهد.	توحش و بربریت	نظام فرهنگی
زنان روستا اموال منزل هاشم را بعد از مرگ زنش غارت می کنند.		
دیالوگ زهرا: «مردانی در این شهر زندگی می کنند که مانند سگ، وحشی هستند».	مردسالاری	
دیالوگ ابراهیم: زهرا به مردان احترام بگذار این ها عصبانی بشوند در دسر درست می کنند. باید با اون ها راه بیای.		
کنک خوردن ثریا از علی و حتی پسرانش در سکانس های مختلف	ضرب و شتم زنان	ضایع نمودن حقوق زنان
کنک زدن ثریا در وسط خیابان توسط علی و تحسین مردم روستا		
از دواج مجدد علی با دختری چهارده ساله و ندادن نفقه به ثریا و دو دختر خردسالش	ضد زن و زنانگی بودن	نظام اقتصادی
توجه علی به پسران و نادیده انگاشتن دختران و رها کردن آن ها دیالوگ فرزند علی: «مادر و دخترا چی می شونند؟». علی: «هیچ وقت فکر این زنان را نکن».		
وضعیت اقتصادی عموم مردم در این فیلم بسیار سطح پایین و بد است.	فقر شدید در بین عموم مردم	نظام سیاسی و حقوقی
محاکمه ثریا به سنگسار بدون برگزاری هیچ دادگاه و وجود هیچ شاهد عادل.		
دیالوگ ابراهیم: «زهرا اوضاع مملکت عوض شده، شاه دیگه نیست». زهرا: «چه جورم نیست» (همه چیز به هم ریخته).	ناکارآمدی نظام اسلامی	نظام آموزشی
هاشم سواد ندارد و شیخ حسن او را مجبور می کند تا شهادتی را امضا کند مبنی بر زنا با ثریا.	بی سواد غالب مردم	



### ۳.۵ فیلم آرگو

آرگو نام فیلمی سینمایی محصول کشور آمریکا به سال ۲۰۱۲ م و ساخته بن افلک است. داستان این فیلم برداشت آزادی از وقایع بحران گروگان‌گیری در سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران است، که در آن شش دیپلمات آمریکایی توانستند از منزل سفیر کانادا در تهران به خارج از ایران بگریزند. در این فیلم، بازیگرانی چون بن افلک، آلن آرکین، برایان کرانستون، و امید ابطحی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. تهیه‌کنندگان این فیلم بن افلک، جرج کلونی، و گرانت هسلو هستند. آرگو نامزد هفت جایزه مختلف در جوایز اسکار هشتادوپنجم بود و در نهایت سه اسکار بهترین فیلم، بهترین فیلم‌نامه اقتباسی و بهترین تدوین را کسب کرد. این نخستین بار از سال ۱۹۸۹ م بود که فیلمی بدون نامزدی برای عنوان بهترین کارگردانی، برنده اسکار بهترین فیلم می‌شد. آرگو نامزد پنج جایزه گلدن گلوب شد که دو جایزه (بهترین فیلم درام و بهترین کارگردانی) را از آن خود کرد؛ آرگو هم‌چنین برنده جایزه بهترین فیلم از طرف انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا شد. آرگو هم‌چنین با ۹۳ درصد امتیاز بالایی را با رأی کاربران سایت راتن تومیتوس به دست آورد. آرگو هم‌چنین جایزه‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، و تدوین را از مراسم بفتا به دست آورد.

ماجرای فیلم بدین صورت است که در سیزدهم آبان سال ۱۳۵۸ و در گیرودار انقلاب ایران دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا و کارمندان آمریکایی سفارت را هم به گروگان گرفتند. از میان کارکنان به گروگان گرفته شده، تعداد شش نفر موفق می‌شوند از در پشت سفارت به خانه کن تیلور، سفیر کانادا در ایران، بگریزند. بعد از گریختن این آمریکایی‌ها جلسه ویژه‌ای در سازمان اطلاعات آمریکا برای فرار آن‌ها صورت می‌گیرد. طی این جلسه، نظرات مختلفی مطرح می‌شود. مأموران به راه‌حل مناسب و عملی دست پیدا نمی‌کنند. چند روز بعد درحالی‌که مندز درحال صحبت با پسر خود و مشاهده فیلم سیاره میمون‌ها (نسخه ۱۹۶۸ م) بود ناگهان متوجه می‌شود که می‌تواند به‌عنوان گروهی هنرمند وارد ایران شوند که درحال ساخت فیلمی علمی-تخیلی هستند و می‌خواهند فیلمی با سبک و سیاق جنگ ستاره‌ها، اما در ایران بسازند. براساس نقشه مندز، او و شش نفر آمریکایی هویت یک گروه فیلم‌سازی را به‌خود می‌گیرند که برای یافتن مکان‌های فیلم‌برداری فیلمی علمی-تخیلی به‌نام آرگو به خاورمیانه سفر کرده‌اند. برای واقعی جلوه‌دادن این نقشه، مندز از عوامل حرفه‌ای در

هالیوود بهره گرفت. تبلیغات این فیلم ساختگی در روزنامه‌ها و مجلات هالیوود به‌عنوان تولیدی از استودیوی شش آغاز شد. مندز در طول دو روز آمریکایی‌ها را برای بازپرسی‌های شدید آماده می‌کند و درحالی‌که تقریباً همه‌چیز مهیاست یک تلفن از سیا به او زده می‌شود که عملیات بایستی متوقف گردد. درابتدا، مندز حرف رئیس خود را با اکراه قبول می‌کند و برای رهایی از افکار مختلف رو به نوشیدن مشروبات الکلی و سیگارکشیدن می‌آورد. صبح، آمریکایی‌ها که در خانه سفیر منتظر مندز بودند تاحدودی متوجه تأخیر او می‌شوند. مندز، که تمام شب درحال فکرکردن و سیگارکشیدن و مشروب‌خوردن بود به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند حرف‌های سیا را قبول کند. به همین خاطر، در یک تماس سریع با سیا می‌گوید که عملیات را انجام می‌دهد و تلفن را قطع می‌کند. آمریکایی‌ها وارد فرودگاه می‌شوند و با نخستین بازپرس که مدارک ورود آن‌ها به ایران را پیدا نمی‌کند مواجه می‌شوند. آمریکایی‌ها نامه وزارت فرهنگ را که نشان می‌دهد مندز می‌خواهد از ایران دیدن کند به مأمور فرودگاه می‌دهد. مأمور فرودگاه بدون پیداکردن مدارک، آن‌ها را از بازپرسی اول رد می‌کند. در بازپرسی دوم، جوانی با ریش‌های بلند به آن‌ها متذکر می‌شود که شاه رفته و آن دوران دیگر گذشته است. یکی از آمریکایی‌ها، که نقش کارگردان را دارد، برای ایرانی‌ها درباره فیلم صحبت می‌کند و با نشان دادن فیلم‌نامه مصور فیلم و نشان دادن هواپیما و درآوردن صداهای مختلف توجه ایرانی‌ها را از مسئله پیش‌رو منحرف می‌کند. جوان ایرانی پرریش از آن‌ها می‌خواهد فقط به زبان فارسی حرف بزنند، به همین خاطر، همان آمریکایی که قرار بود فقط دو روز در ایران بوده باشد شروع به فارسی صحبت کردن می‌کند که با اقبال فراوان کسی متوجه این موضوع نمی‌شود. درانتها، شش نفر آمریکایی با هویت جعلی و گذرنامه کانادایی از مرز قانونی ایران در فرودگاه مهرآباد خارج می‌شوند و با پرواز سوئیس ایر به اروپا می‌گریزند آمریکایی‌ها خوشحال از یک پیروزی دیگر در صحنه بین‌المللی می‌خواهند به مندز بالاترین نشان جاسوس آمریکا را بدهند، اما چون مندز جاسوس است و نباید هویتش فاش شود در یک جلسه غیرعلنی این نشان به او داده و سپس پس گرفته می‌شود و حدود بیست سال بعد این نشان دوباره به مندز اهدا می‌شود. پایان فیلم با جمله‌ای همراه است که می‌گوید اگر دولت‌های جهان با هم متحد شوند، می‌توانند درمقابل هرگونه خطرات ناشناخته و غیرقابل حل ایستادگی کنند و این پیروزی سند بزرگی بر این مدعاست.

جدول ۳.

نمونه‌ها	محورهای جزئی	محوری کلی مورد تأکید	مؤلفه ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوود
<p>در صحنه‌ای شاه را نشان می‌دهد که می‌گوید چه کسی گفته در ایران شکنجه وجود دارد و در صحنه بعد تصویری از امام را نشان می‌دهد که یک خبرنگار آمریکایی درحال نقل قول ناسزایی از قول انورسادات به امام است.</p> <p>گروگان‌ها از خواب بیدار می‌شوند و آماده برای تیرباران به سمت زیرزمین می‌روند، تصویری کوتاه از امام: جواب ما معلومه ما شاه رو می‌خواهیم، بعد دانشجو: کارتر و دولتنس به جنایت‌کاران زیادی پناه داده است، خبرنگار درحال مصاحبه با امام: آیا تا ابد این‌جا خواهند ماند. امام: تا زمان بازگشت شاه در این‌جا خواهند ماند.</p>	<p>بی‌منطق و نالایق بودن حاکمان و رهبران نظام جمهوری اسلامی</p>		
<p>آغاز فیلم با تجمع مردم ایران همراه است که در پشت در سفارت آمریکا درحال شعاردادن و آتش‌زدن پرچم آمریکا هستند، در این سکانس اوج نفرت ممکنه ملت ایران از آمریکا را به تصویر می‌کشد و درکنارش تصاویری از کارمندان سفارت که نگران وضعیت بغرنج هستند.</p>	<p>توحش و بربریت مردم ایران در مواجهه با آمریکا و جامعه جهانی</p>	<p>تاریخ فرهنگی حاکمان (ایران)</p>	<p>آرگو</p>
<p>تصویر گروهی از مردم را نشان می‌دهد که یک بعد مشترک دارند و آن در ظاهرشان هویدا است. بنیادگرایان افراطی، که همگی آماده حمله به سفارت هستند، درحالی‌که در تاریخ انقلاب حضور مردم از هر نوع گرایش و تیپ فکری در لحظه‌به‌لحظه انقلاب ثبت گردیده است.</p> <p>زنانی در خیابان‌ها نشان داده می‌شوند که یونیفورم نظامی بر تن داشته و بر روی آن هم چادر دارند.</p> <p>تصاویری از میدان آزادی و شلوغی و ازدحام ماشین‌ها در اطراف آن چهره‌های ناآشنا، باورهای خاص نسبت به آمریکا که بر در و دیوار مشهود است، نظامیان مسلح سوار بر کامیون در خیابان‌ها گشت می‌زنند، تصویر چند زن درحال حرکت و مندز که سرش را به کنار پنجره می‌آورد و مردی که از جرثقیل به دار آویخته شده است را با تعجب همراه با ترس دنبال می‌کند، و درانتها وارد ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد می‌شود.</p>	<p>حاکمیت افراط‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی ایران و سرکوب مردم در جریان آن</p>		

<p>پیام فیلم: ایران جامعه‌ای با قوانین و ظاهری جنگل‌وار دارد که قدرت و حکومت در اختیار بنیادگرایان به شدت افراطی است، سازگاری و نفوذ به این سیستم امری غیرممکن است، اما برای آمریکا و مأمور آمریکایی هر غیرممکنی ممکن است.</p>			
<p>صحنه‌های آغازین فیلم به درگیری‌ها و اختلافات میان دو کشور و به‌ویژه سرنگونی دولت دموکراتیک ایران و جانشینی یک نظام پادشاهی بی‌رحم و فاسد به دست آمریکا اشاره می‌کند.</p>			
<p>در طول فیلم، بارها رویدادهای بعد از انقلاب نمود منفی پیدا می‌کند و تصاویری روتین از مقابله آمریکایی‌های خوب و معصوم با جمعیت معترضان ایرانی در خیابان، بازار، فرودگاه، و جاهای دیگر به تصویر کشیده می‌شود.</p>			
<p>در این فیلم، بارها به نام «مصدق» و اشتباه آمریکا در حمایت از کودتا علیه او اشاره می‌شود و به‌نوعی از نخست‌وزیر وقت، بازرگان، به‌عنوان فردی که مخالف تسخیر سفارت ایالات متحده بوده تقدیر می‌شود.</p>	<p>اشتباه بودن اقدام آمریکایی‌ها در ساقط کردن حکومت مصدق</p>		
<p>ماجرای فتح لانه جاسوسی آمریکا در تهران را نه به دانشجویان، که به سپاه نسبت می‌دهد. در فیلم هیچ اشاره‌ای به دانشجوی بودن فاتحان نمی‌شود، اما در این کارزار، دائم آرم سپاه به نمایش درمی‌آید.</p>	<p>تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن مردمی بودن آن</p>		
<p>تصاویر از گروگان‌ها به نحو وحشیانه‌ای در حال شکنجه روحی‌اند پاسدارها به رهبری یک روحانی جوان گروگان‌ها را به زیرزمین انتقال می‌دهند و بعد روحانی گلوله‌ها را جلوی پای هر کدام از گروگان‌ها می‌اندازد سپس با آماده‌باش او پاسدارها آماده شلیک به سمت گروگان‌ها با تفنگ‌های خالی می‌شوند بعد با دستور روحانی همگی آتش می‌کنند.</p>	<p>نقش مهم سپاه و نیروهای نظامی در شکل‌گیری رویدادهای پس از انقلاب</p>		
<p>چهره‌های خموده، بیمار، و عبوس از مردم ایران در فرودگاه سرآغاز تصویر جامعه ایرانی است که تونی تجربه می‌کند. مأموران فرودگاه و پاسدارانی که آماده قلع و قمع کردن مردم هستند اولین ملاقات تونی با مأموران ایرانی است که پیش از این از کمالاتشان در سیا بسیار شنیده بود.</p> <p>محروم شدن از «طبیعی‌ترین لذات انسان مدرن» یعنی نوشیدنی الکلی نقطه ورود تونی به ایرانی عقب‌مانده است.</p>	<p>خموده و عبوس بودن مردم ایران</p>		

## ۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به تحلیل «فیلم‌های ساخته‌شده در هالیوود» آمریکا پرداخته شد. در این مقاله، نقش سینمای هالیوود در تشدید ایران‌هراسی مورد بررسی قرار گرفت. برای نیل به این هدف نظریه‌های بازنمایی بررسی شده است. بدین منظور، از تلفیق دیدگاه‌های سه سنت نظری بازنمایی، مطالعات پسااستعماری، و نظریه شرق‌شناسی استفاده شده است. در این بررسی، مفهوم بازنمایی در مرکز مباحث نظری قرار دارد و رویکردی مرکب از نظریات استوارت هال و میشل فوکو در مورد مفهوم بازنمایی ارائه شد. در نهایت، از سومین سنت نظری با عنوان شرق‌شناسی، که سعی در به‌کارگیری مضامین بازنمایی و مطالعات پسااستعماری در حوزه مطالعات سینمایی دارد، استفاده شد تا به این پرسش پاسخ دهد که «نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران چگونه بوده است؟». در قسمت روش بر مبنای الگوی «روش تحلیل محتوای کیفی» میرینگ در مطالعه متون تصویری، الگویی برای تحلیل فیلم‌ها ارائه شده که در بردارنده تصویرسازی‌های سینمای هالیوود از ایران و اسلام است.

برای پاسخ به این سؤال، از نتایج جداول تحلیل محتوای فیلم‌ها بهره می‌گیریم که نتایجی را در اختیار ما قرار می‌دهد:

۱. تصویرسازی زنان ایرانی: زن ایرانی در فیلم‌های بررسی‌شده محروم و مظلوم، انسان‌هایی کم‌ارزش‌تر از مردان و زیر سلطه مطلق آن‌ها به تصویر کشیده شده‌اند؛
۲. بازنمایی مردان ایرانی: در همه فیلم‌های بررسی‌شده مربوط به ایران، مردسالاری و حاکمیت مطلق مردها در زندگی ایرانیان برجسته بوده است. مرد ایرانی بسیار جدی و خشک ظاهر شده، به‌ویژه در تعامل با زنان، بسیار خشن و نامنعطف تصویر شده است. کلیشه‌های شرق‌شناسانه هم‌چون خوش‌گذرانی (زن‌بارگی) و عیاشی مردان شرقی از جمله ایرانی‌ها نیز بارز بوده است؛
۳. ارائه تصویر خشونت‌آمیز از فرهنگ ایرانی: رفتار خشونت‌آمیز یکی از پرتکرارترین موارد فیلم‌های مورد بررسی بوده است و از این جهت می‌توان این استفاده تبلیغاتی از خشونت و رفتار خشونت‌آمیز را یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های تبلیغاتی هالیوود در ایران‌هراسی دانست؛
۴. تخریب تمدن و تحریف تاریخ ایران: در سال‌های گذشته یکی از محورهای اصلی مورد تأکید فیلم‌های هالیوودی تخریب تمدن و تاریخ ایرانی بوده است. در واقع، بخش مهمی

از فیلم‌های هالیوودی مرتبط با ایران به خنثی‌سازی وجه برتری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان اختصاص یافته است و به‌نوعی در آن‌ها تاریخ ایران تحریف می‌شود؛

۵. تخریب انقلاب اسلامی و رهبران آن: بخش دیگری از تخریب تاریخ ایرانی به تخریب رویدادهای انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران اختصاص یافته است. در این میان، به‌طور خاص فیلم *آرگو* این موضوع را در دست‌ورکار خاص خود قرار داده است، اما موارد مشابه دیگری نیز در فیلم‌های هالیوودی وجود دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته است. براساس فیلم‌های هالیوودی، انقلاب اسلامی یک حرکت افراط‌گرایانه و غیرمتمدنانه بوده است که خوی وحشیانه و ضدانسانی مردم و حاکمان اسلامی را به‌طور کامل نشان داده است؛

۶. تخریب حاکمیت اسلامی و جمهوری اسلامی: فیلم‌های هالیوودی مورد بررسی علاوه بر تخریب انقلاب اسلامی، به تخریب نتایج آن، یعنی حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، نیز می‌پردازند. در نگاه این فیلم‌ها، حکومت اسلامی یک تجربه شکست‌خورده در ایران است که نتایج منفی آن دامان شهروندان این کشور و سایر کشورها را گرفته است. برخی از فیلم‌های مورد بررسی به تشدید پروژه سپاه‌هراسی در رسانه‌های غربی پرداخته‌اند یا به حمایت از گروه‌های هم‌سو با غرب در داخل کشور اقدام کرده‌اند؛

۷. تخریب دین اسلام و احکام اسلامی: فیلم‌های مورد بررسی، علاوه بر تخریب حاکمیت اسلامی، به تخریب اصل دین اسلام و احکام آن نیز می‌پردازند. موضوعاتی از قبیل حقوق زنان در اسلام و برخی احکام اسلامی مانند سنگ‌سار و مناسک اسلامی مانند نماز مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌گیرد. در این بخش است که پیوند میان ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی به‌طور آشکارا ظهور و بروز پیدا می‌کند. در همین راستا، بحث تخریب چهره طبقه روحانیت در ایران و به‌خصوص روحانیت شیعه در فیلم‌های مورد بررسی پی‌گیری شده است؛

۸. تصویرسازی نامناسب از حاکمان ایرانی: یکی از محورهای مورد تأکید در این فیلم‌ها تخریب چهره حاکمان ایرانی است. بخشی از این اقدام به‌طور آشکارا با تخریب تاریخ و تمدن ایرانی مرتبط است، اما بخش مهم‌تر آن با حاکمان فعلی ایران می‌تواند ارتباط پیدا کند. ارائه تصویر دیکتاتور و غیردموکراتیک از حکومت‌های ایرانی نیز در دست‌ورکار فیلم‌های هالیوودی قرار گرفته است و این اقدام منحصر به ایران پس از انقلاب اسلامی نیز نبوده است. براساس فیلم‌های مورد بررسی فرهنگ ایرانیان اساساً غیردموکراتیک و حکومت‌های آن خلاف مدنیت و اصول انسانی بوده است؛

۹. ارائه تصویر غیرانسانی و غیرمتمدن از مردم ایران: از جمله مهم‌ترین جلوه‌های ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوودی ارائه تصویر غیرمتمدن و وحشی از ایرانیان است. مردمان کریم‌المنظر، سیاه‌پوست، متوحش، عبوس، و بی‌سواد آن چیزی است که درباره مردم ایران در فیلم‌های هالیوودی تصویرسازی می‌شود و به‌خوبی نشان می‌دهد که محور ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوودی صرفاً تخریب جمهوری اسلامی یا حتی دین اسلام نیست، بلکه این فیلم‌ها جامعه ایرانی و مردم آن را به‌شکل کاملاً منفی و ضدانسانی تصویرسازی می‌کنند؛

۱۰. القای وجود نژادپرستی در میان ایرانیان: یکی از محورهای فرعی، اما مهم فیلم‌های هالیوودی القای نژادپرستی ایرانیان است. این نوع از بازنمایی رسانه‌ای می‌تواند در تکمیل هججه‌های سیاسی و تبلیغاتی غرب علیه ایران کمک فراوانی داشته باشد؛

۱۱. القای نقض حقوق بشر در ایران در گذشته و حال: از جمله محورهای اصلی تبلیغات دستگاه رسانه‌ای غرب، اعم از هالیوود، القای نقض حقوق بشر به‌خصوص در موضوع حقوق زنان و اقلیت‌های دینی و نژادی است. فیلم‌های بدون دخترم هرگز و سنگ‌سار تریا به‌طور ویژه به نقض حقوق زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند؛

۱۲. القای دشمنی ایرانیان با سایر ادیان و تمدن‌ها: به‌صورت صریح و ضمنی تأکید شده است که ایرانیان در طول تاریخ با ادیان و تمدن‌های دیگر سر دشمنی و ناسازگاری داشته‌اند و حاکمان این کشورها نه‌تنها در پی صلح و دوستی نبوده‌اند، بلکه همواره شروع‌کننده جنگ‌ها و منازعات بوده‌اند.

## کتاب‌نامه

- اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۸۲)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، فصل‌نامه رسانه، ش ۳، ص ۲۰.
- ایزدی، فؤاد و حکیمه سقای بی‌ریا (۱۳۸۷)، «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران»، ترجمه جمال‌الدین اکبرزاده، فصل‌نامه رسانه، ش ۱۹، ص ۱.
- خواجه سروی، غلام‌رضا (۱۳۹۰)، «شیعه‌هراسی اولویت فضای رسانه‌ای غرب»، سایت باشگاه‌اندیشه، بیستم آذر ۱۳۹۰.
- سلطانی‌فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲)، *پوشش خبری، تهران: سیمای شرق*.

- سمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵)، *عصر سی ان ان و هالیوود*، ترجمه نرجس خاتون براهوئی، تهران: نشر نی.
- شفیعی، نوذر و زهرا صادقی (۱۳۸۸)، «شرق‌شناسی ادوارد سعید و جایگاه اسلام در مقابل غرب»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۴.
- شیرزادیان، رضا (۱۳۸۸)، «مطالعات پسااستعماری، نقد، و ارزیابی دیدگاه‌های فرانتس فانون، ادوارد سعید، و هومی بابا»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، پاییز، دوره ۲، ش ۵.
- طاهایی، علی (۱۳۸۸)، «ایران‌هراسی، بازی جدید آمریکایی‌ها با اعراب»، پیام/تغیاب، ش ۳۲.
- طیب، علی‌رضا (۱۳۸۲)، *تروریسم*، تهران: نشر نی.
- علوی طباطبایی، سیدعبدالحسین (۱۳۸۶)، *هالیوود و فرجام جهان*، تهران: هلال.
- گانندی، لیلا (۱۳۸۸)، *پسااستعمارگرایی*، ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- معمدنژاد، کاظم و محمد مهدی‌زاده (۱۳۸۵)، «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب؛ تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک تایمز، گاردین، لوموند، و دی ولت»، فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، ش ۳۶.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷)، *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- وحیدی فردوسی، علی (۱۳۸۸)، *سیاست‌های رسانه‌های غربی در بازنمایی رخداد‌های خبری؛ تبیین سیاست‌های خبری فاکس نیوز و سی ان ان در بازنمایی سخن‌رانی رئیس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشکده صداوسیما.
- یزدانی، زهرا (۱۳۹۲)، «گردش مالی عظیم هالیوود و تأثیر آن بر اقتصاد آمریکا»، روزنامه شرق، هجدهم اردیبهشت ۱۳۹۲.

- Bill, James A. (2001), "The Politics of Hegemony: The United States and Iran", *Middle East Policy Council*, vol. 8, no. 3.
- Eliade, M. (1995), *Encyclopedia of Religion*, Macmillan: M.P.Co.
- Fredman, Sandra (1992), *Discrimination and Human Rights*, Oxford: Oxford University Press.
- Hartely, J. (2002), *Communication, Cultural and Media Studies: The Key Concepts*, (3rd ed.), New York: Routledge, Taylor and Francis Group.
- Nakhleh, Emile A. (2009), *A Necessary Engagement: Reinventing America's Relations with the Muslim World*, Princeton: Princeton University Press.
- Poole, Elizabeth and John Richardson (2006), *Muslims and News Media*, London: I. B. Tauris & Co Ltd.
- Strömbäck, Jesper, Adam Shehata, and Daniela Dimitrova (2008), "Framing the Mohammad Cartoons Issue: A Cross-Cultural Comparison of Swedish and US Press", *Global Media and Communication*, 4(2).



بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران ۱۹۳

Tessa, B. (1998), "Spiritual Wealth and Neo-Orientalism", *Journal of Ecumenical Studies*, vol. 35.

Tuastad, D. (2003), "Neo-Orientalism and the New Barbarism Thesis: Aspects of Symbolic Violence in the Middle", *Third World Quarterly*, vol. 24, no. 4.

Watson, J. and A. Hill (2006), *Dictionary of Media and Communication Studies* (7th ed.), London: Hodder Arnold.

Wood, David (2012), "US, Iran Poised for Mine Warfare in The Persian Gulf", 27 February: <<https://www.huffingtonpost.com>>.

<http://www.mideast.foreignpolicy.com>.